



صدیقه سادات بهشتی - روزنامه نگار و نویسنده

## فضای کار را برای دختران رنگ بزنید

تاب آوری، ویژگی‌هایی که در موقعیت‌های شغلی مؤثرند. کاری به این ندارم که جناب‌ها در نهایت به چه نتیجه‌ای درباره نابرابری‌های اشتغال زنان با مردان می‌رسد، ولی واقعیت این است که در جامعه در حال گذار ما اگر نتوانیم به صفات مذکور و مهم‌تر از همه تاب‌آوری مجهز باشیم نمی‌توانیم در فضای کاری دوام بیاوریم.

**تجربه شخصی /** وقتی وارد محیط کار نیمه حرفه‌ای شدم فقط هجده سالم بود. البته باید اعتراف کنم که محیط‌های کاری که من در آن‌ها حضور داشتم بسیار امن، فرهنگی، سالم و حتی به قولی پاستوریزه بودند. به عنوان کسی که نصف بیشتر عمرش را در محیط‌های مختلف کاری حضور داشته هنوز هم به دخترهای جوان توصیه می‌کنم به استقلال مالی و بیشتر از آن به موقعیت اجتماعی که اشتغال به آن‌ها می‌دهد فکر کنند. ما نمی‌توانیم از جامعه‌ای که زنان در صدر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حضور ندارند توقع موقعیت اجتماعی بهتر برای زنان را داشته باشیم. مطمئنم زنان خبرنگار، زنان نویسنده، زنان مهندس، زنان پزشک، زنان فعال اجتماعی در سال‌های اخیر رنگ‌های جدیدی به جامعه اضافه کرده‌اند. رنگ‌هایی که شاید در زمان مادر بزرگ‌های ما نبوده یا بسیار کم‌رنگ و مخصوص عده خاصی بوده است. اگر امروز در محیط کار بیشتر از مردان تلاش می‌کنی، برای جایگاهی که حقت است می‌جنگی، نابرابری را تجربه می‌کنی و از تلاش دست بر نمی‌داری مطمئن باش در حال رنگ زدن مسیر آینده دختران این سرزمین هستی.

**زنان هم‌سرنوشت /** چند سال پیش زنی را دیدم که از افغانستان آمده بود. زنی جوان با امیدهایی که نابود شده بودند. روزی که زن را دیدم ویران بود. حرف می‌زد و از تلاشش برای حضور زنان افغانستان در جامعه می‌گفت. از محیط‌های کار زنان، از برق چشمان دخترانی که کار می‌کردند. زن حرف می‌زد و من تلاش می‌کردم گریه نکنم. زن گفت: «کار کردن برای تو در ایران حضور اجتماعی و منزلت است، برای من قدرت و موقعیت بود، ولی من زنانی را در افغانستان می‌دیدم که کار کردن برایشان معاش بود.» گفت: «روزی که مدیر مجموعه بزرگی در دولت شدم و اسمم را به عنوان رئیس اعلام کردند فقط به خودم فکر نمی‌کردم. آن روز من نماینده همه زنان افغانستان بودم.» گفت: «زنان زیادی در افغانستان کار کردند زحمت کشیدند و بالا رفتند. پیر شدند ولی هیچ وقت مدیر نشدند.» زن گفت: «امروز من هیچ‌امیدی به آینده زنان سرزمینم ندارم.» و من همواره به آینده دختران و زنان سرزمینم امیدوارم.

شاید اولین بار دیدن لعیا زنگنه یا همان مریم افشار در سریال «در پناه تو» با چادری که در باد تکان می‌خورد، نخستین جرقه‌های تصویر دختر تحصیل کرده و شاغل را در ذهن ما دختران دهه شصتی روشن کرد، دخترانی که کودکی‌شان را در ترس و نگرانی جنگ، با گرفتن گوشه چادر مادر در معراج‌های شهدا یا در تاریکی قطعی برق، در انتظار پدری که در جبهه بود، گذشته بودند. دخترانی که به مدرسه رفتند و حالا دوست داشتند وقتی بزرگ شدند، معلم شوند یا در نهایت با دیدن خانم خامنه و خانم رضایی-مجریان تلویزیون- در آن مسیر قدم بگذارند. راهی که بعدها با دیدن سریال‌های تلویزیونی و شخصیت‌های مستقل زن مانند وکیل، خبرنگار یا پلیس، رنگ و بوی دیگری گرفت و جاده‌اش روشن‌تر شد. حالا در سال ۱۴۰۴، دختران دهه هشتادی به سریال، فیلم یا نمونه نیاز ندارند، خودشان مصمم هستند برای داشتن استقلال، و این چیزی است که از همه مهم‌تر است.

**از منظر واقعیت /** واقعیت این است که اکثر سیاست‌گذاران و قانون‌نویسان در کشور مادر طول تاریخ، مرد بوده‌اند. پس از انقلاب، دسترسی زنانی که به لحاظ سنتی از تحصیل محروم بودند، بیشتر شده، اما این افزایش، به همان میزان در اشتغال تأثیرگذار نبوده است. طبق آمار که سه صندوق تأمین اجتماعی، کشوری و روستاییان در سال ۱۴۰۲ منتشر کردند، تنها ۱۴ درصد از زنان ایرانی بالای ۵۵ سال، حقوق بازنشستگی دارند، یعنی این زنان فقط خانه‌دار نبوده‌اند، بلکه زمانی که توان کار بیرون از خانه را داشته‌اند، موفق شده‌اند شغلی در بازار کار برای خود دست و پا کنند تا در دوران سالمندی، آب‌باریکه‌ای از آن نصیبشان شود. مسئله فقط خوشی‌های جوانی یا داشتن موقعیت اجتماعی، منزلت و استقلال مالی نیست، موضوع مهم‌تر از این حرف‌هاست، مسئله، آینده‌ای است که باید با استقلال مالی و حقوق بازنشستگی شخصی، روشن شود.

**از منظر نیازها /** مفهومی که این روزها زیادی می‌شنویم مفهوم تاب‌آوری است. اگر قرار است حضور اجتماعی چه در قالب رسمی و کارمندی و چه با عنوان کارآفرینی را تجربه کنیم باید مجهز باشیم به صفاتی که اتفاقاً کینگزلی براون در کتاب تقسیم کار (رویکردی تکاملی به اشتغال زنان) نام می‌برد. زیرکی، اعتماد به نفس، جسارت، جاه طلبی، خطرپذیری، رقابت طلبی و

حضور افراد نامناسب باشد. بهترین راه حل این چالش‌ها، گفت‌وگوی سازنده با خانواده است. خانواده باید پشتیبان دختر باشد و در کنار او قرار بگیرد، نه در برابرش. همیشه و در هر شرایطی والدین نمی‌توانند به‌طور مستقیم به فرزندان کمک کنند. آن‌ها قهرمان زندگی فرزندان‌شان هستند، اما این قهرمان‌ها در هر حوزه‌ای نمی‌توانند کمک کنند. با این حال، حضورشان در کنار فرزند یک پشتیبانی بزرگ محسوب می‌شود، همان حمایت معنوی که نقش اساسی دارد. به نظر من، یک جوان می‌تواند نیازهای مالی خود را مدیریت کند، به شرط آنکه والدینش به او باور داشته باشند.

### از آموزش مهارت‌ها شروع کنیم

هیچ موفقیتی یک شبه حاصل نمی‌شود. یکی از چالش‌های دهه هشتادی‌ها این است که با قدم‌های کوچک به دنبال درآمد بالا هستند، در حالی که باید به یاد داشت پنیر مفت در تله موش است! مثلاً اینفلوئنسری موقعیتی امن و مناسب برای کار است، اما محدودکننده هم هست و اجازه بالا رفتن از پله نمی‌دهد. باید پله پله جلو رفت و دنبال میز نباشیم. باید از آموزش مهارت‌های ساده شروع کرد، مانند آشپزی، خیاطی، حسابداری، کتاب‌خوانی، آشنایی با قوانین مالیاتی و بانکی و موارد مشابه. خانم‌ها نیز با توجه به توانایی ذهنی خود، می‌توانند چند کار را هم‌زمان انجام دهند و مهارت‌هایشان را ترکیب کنند تا در مسیر شغلی پیشرفت کنند. از بهترین ابزارهای یادگیری مهارت‌های جدید، یوتیوب و آپارات هستند که به صورت رایگان در اختیار همگان اند. لازم نیست جایی رفت، می‌توان آنلاین از رسانه‌های دسترس استفاده مفید کرد.

### شکست بخورید تا بالا بروید

در این مسیر، رسانه‌ها نقش مهمی دارند. آن‌ها باید الگوهای مناسب را به نسل جوان معرفی کنند، از جمله زنان کارآفرین ناشناس و فقط سمت آدم‌های مشهور نروند. این کار می‌تواند با گسترش باز دیدهای گروهی ادامه یابد تا دختران جوان فرصت تجربه مستقیم فضای کار را پیدا کنند. یکی دیگر از مسائل، ترس جوانان از شکست است. شاید بهتر باشد الگوهایی را به آن‌ها معرفی کنیم که بارها در زندگی شکست خورده‌اند، اما ادامه داده‌اند و موفق شده‌اند. باید بگویم امکان ندارد شما کار کنید و شکست نخورید! حتی شکست خوردن باعث می‌شود بیشتر بالا بروید و تجربه‌های زیادتری کسب کنید و مسیر بهتر را نیز پیدا کنید چون دست خداوند همیشه پشت شما است.

### خسته نشوید

مقایسه یکی از آسیب‌های مهم فضای مجازی است، دختران جوان با دنبال کردن محتوای بلاگرها به این نتیجه می‌رسند که چقدر از آن‌ها عقب هستند! و دچار اضطراب می‌شوند. چرا که می‌گویند آنچه که او دارد یا به دست آورده من هنوز ندارم. همین اضطراب نقش منفی بزرگی دارد که باعث می‌شود فرد دست به هیچ کاری نزند. یکی دیگر از معایب آن این است که افراد دنبال مشاغل زودبازده هستند مانند همین اینفلوئنسری. از دیگر معایب انتشار محتواهای کلیشه‌ای، غرب‌زدگی است. ما عمیق‌رادرک نمی‌کنیم صرفاً ظاهر را می‌بینیم مثلاً همین قهوه خوردن در طول روز! ما از طریق فضای مجازی صرفاً ظاهر بین شدیم و آنچه که می‌خواهیم را انتخاب می‌کنیم و در فضای مجازی منتشر می‌کنیم. آنچه که باعث موفقیت می‌شود پیگیری است، اما الان جوانان حوصله پیگیری ندارند. به عنوان مثال صاحب برند کی‌اف‌سی، ۳۵۷ مرتبه محصول خود را برای رستوران‌های مرغ سوخاری برد تا در نهایت قبول کردند. جوانان از پیگیری خسته می‌شوند، اما زمانی خسته می‌شوید که به موفقیت نزدیک هستید.

### علاقه از دل تجربه می‌آید

اکتشاف از طریق تجربه شکل می‌گیرد، همین که دختران جوان از نزدیک ببینند چگونه یک خانم کارآفرین مسیر موفقیت را طی کرده، قدمی مهم است. گام بعدی، انجام کارهای داوطلبانه توسط نوجوانان و جوانان است تا با فضای مکان‌هایی که به آن علاقه دارند آشنا شوند. خود من بارها بدون دریافت دستمزد کار کرده‌ام و هنوز هم برخی کارها را رایگان انجام می‌دهم. در مرحله بعد، یک دفترچه بردارید و چیزهایی را یادداشت کنید که شما را سر ذوق می‌آورند. از تست‌های روان‌شناسی شخصیت‌شناسی نیز استفاده کنید تا خودتان را بهتر بشناسید. در نهایت، به خاطر داشته باشید علاقه با فکر کردن شکل نمی‌گیرد، بلکه از دل تجربه‌های واقعی بیرون می‌آید.